

بوطیقای بوف کور

روایت‌شناسی روان‌گسیختگی

در تکنیک بوف کور | محمود نیکبخت



سرشناسه | نیکبخت، محمود، ۱۳۳۰ -
عنوان و نام پدیدآور | بوطیقای بوف کور:
روایت‌شناسی روان‌گسیختگی در تکنیک بوف کور/ محمود نیکبخت.
مشخصات نشر | تهران: نشر گمان، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری | ۲۵۶ ص؛ ۱۳×۲۰ س.م.
شابک | 978-600-7289-23-5
وضعیت فهرست نویسی | فیپا
موضوع | هدایت، صادق، ۱۲۸۱ - ۱۳۳۰ -- نقد و تفسیر
یادداشت | داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد
رده بندی کنگره | ۱۳۹۴ ب ۹ / PIR۸۳۰۸
رده بندی دیویی | ۳/۶۲ ا ۸
شماره کتابشناسی ملی | ۴۰۷۵۲۶۷



بو طبقای بوف کور

روایت‌شناسی روان‌گسیختگی
در تکنیک بوف کور | محمود نیکبخت



۱

چشم اندازهای
انتقادی معاصر

بوطیقای بوف کور

روایت‌شناسی روان‌گسیختگی در تکنیک بوف کور | محمود نیکبخت

نمونه‌خوانی | بهار بدیهی / رضا یاسینی اردکانی
 نسخه‌پردازی و بازبینی نهایی | مجید رنجبر
 مدیر هنری و طراح جلد | محمود منفرد
 تصویرسازی روی جلد | مزجان نجفی
 نظارت فنی و چاپ | حمیدرضا صبوری
 حروف‌نگاری | فرحناز رسولی
 صفحه‌آرایی | نیکو شایگان
 لیتوگرافی | امین گرافیک
 چاپ و صحافی | سپیدار

شابک | 978-600-7289-23-5

چاپ اول | ۱۳۹۵

شمارگان | ۱۱۰۰ جلد

قیمت | ۱۷۵۰۰ تومان

تلفن | ۲۶۸۰۲۰۴۲

آدرس | خیابان شریعتی/ بالاتر از مطهری/ کوچه‌ی اندیشه نهم/ پلاک ۱۳/ واحد ۱۵

ایمیل | info@goman-pub.com / goman.publication@gmail.com

سایت | www.goman-pub.com

تمامی حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است.
 تکثیر، انتشار، بازنویسی، ترجمه‌ی این اثر یا قسمتی از آن و استفاده از طرح روی جلد
 به هر شیوه از جمله: فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی
 و پخش بدون دریافت مجوز قبلی و کتبی از ناشر ممنوع است.
 این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.



فهرست

۱۱	پیش از آغاز
۱۵	درآمد
	بخش اول: بوطیقای بوف کور
۲۱	فصل نخست: تکنیک و ساختار بوف کور
۲۳	۱-۱. ساختار متعارف جمله در زبان فارسی
۲۶	۲-۱. جمله‌ی متعارف و جمله‌ی روایی
۲۸	۳-۱. بوطیقای جمله‌های روایی در بوف کور
۳۲	۴-۱. تکنیک بوف کور
۳۷	فصل دوم: بوف کور، روایتی ناخودآگاه
۴۱	فصل سوم: نموداری از دو فصل اصلی و دو بخش کوتاه میانی و پایانی بوف کور
۴۱	۱-۳. نموداری از تک‌گویی درونی راوی در فصل نخست
۵۲	۱-۱-۳. نشانه‌شناسی «مگس زنبور طلایی» در بوف کور
۵۶	۲-۳. نموداری از تک‌گویی درونی راوی در بخش میانی
۵۷	۳-۳. نموداری از تک‌گویی درونی راوی در فصل دوم
۶۳	۴-۳. کلید دنیای ذهنی راوی
۶۸	۵-۳. نشانه‌شناسی «سایه» در بوف کور
۷۴	۶-۳. تک‌گویی درونی راوی در آخرین بخش بوف کور

۷۷	فصل چهارم: روان‌گسیختگی در روایت بوف کور
۷۸	۱-۴. روان‌گسیختگی - اسکیزوفرنی
۸۱	۲-۴. نشانه‌های روان‌گسیختگی در بوف کور
۸۴	۳-۴. بازیابی برخی نشانه‌های اصلی روان‌گسیختگی در راوی بوف کور
۸۴	الف) فقدان و طردشدگی
۸۵	ب) فرافکنی و همانندسازی با «از دست‌رفته»
۸۶	ج) تسلط انگاره‌ی اصلی بر ذهن راوی
۸۸	د) دیدن رؤیا در بیداری
۹۳	فصل پنجم: روایت‌شناسی بخشی از فصل نخست بوف کور
۱۱۳	فصل ششم: دیدگاه هدایت در تکنیک بوف کور

بخش دوم: پیشینه‌ی بوف کورشناسی در ادبیات معاصر

۱۱۹	اشاره
۱۲۱	فصل هفتم: بررسی مقاله‌ی «هدایت بوف کور» جلال آل‌احمد
۱۴۹	فصل هشتم: بررسی «نقد بوف کور» هوشنگ گلشیری
۱۶۹	فصل نهم: بررسی چگونگی رویکرد روایت‌شناختی «رضابراهنی» درباره‌ی بوف کور
۱۷۰	۱-۹. آشنایی با تحلیل «براهنی» درباره‌ی بوف کور
۱۷۸	۲-۹. چگونگی شماره‌گذاری و نشانه‌های نقطه‌گذاری
۱۸۵	۳-۹. چگونگی رویکرد نویسنده برای بررسی بوف کور
۱۸۹	۴-۹. مآخذ اصلی نویسنده و نحوه‌ی دریافت وی از آن
۱۹۱	۵-۹. رویکرد نویسنده در پاره‌پاره کردن متن و شماره‌گذاری آن پاره‌ها
۱۹۴	۶-۹. ویژگی‌های زبان‌شناختی نخستین «جمله‌ی روایی» راوی
۲۱۹	فصل دهم: بررسی رویکرد روان‌شناختی «محمد صنعتی» درباره‌ی بوف کور
۲۲۰	۱-۱۰. دریافت نادرست: لغزش نویسنده در شناخت اجزا
۲۲۵	۲-۱۰. تناقض و ابهام
۲۴۵	فصل یازدهم: حاشیه‌ای بر رویکرد روان‌شناختی زردشت اعتمادزاده به بوف کور
۲۵۳	فصل دوازدهم: حاشیه‌ای بر مقاله‌ی «دریافتی از بوف کور» از آذر نفیسی
۲۵۷	مآخذ
۲۶۱	نمایه

پیش از آغاز

ای عزیز!

این نخستین بار است که جستاری با «روایت‌شناسی» و «تکنیک‌شناسی»^۱ متن خطی بوف کور در پی شناخت چگونگی تکنیک و ساختار این داستان بلند است.

بیش از شش دهه از چاپ حروف چینی شده و گسترده‌ی بوف کور در ایران می‌گذرد و حدود سه دهه از نخستین باری که چاپی از فتوکپی متن دست‌نویس هدایت در ایران منتشر شده است.

و اکنون بر اساس آن می‌توان گفت:

هیچ‌کدام از نسخه‌های بوف کوری که هر یک از ما در شش دهه‌ی گذشته خوانده‌ایم، به‌ویژه از لحاظ نشانه‌های سجاوندی، منطبق بر متن دست‌نویس هدایت نیست. حتی در همین حدود

1. technology

سه دهه‌ای که چاپی از فتوکپی متن دست‌نویس هدایت در دسترس خوانندگان بوده کسی به چگونگی آن تغییر و تحریف‌ها و نقش آن‌ها در تکنیک روایی بوف کور به اشاره نیز سخنی نگفته است. هدایت به یاری کاربرد نامتعارف آن نشانه‌ها و پدید آوردن گونه‌ی تازه‌ای از «جمله‌ی روایی» توانست به تکنیکی ویژه در «تک‌گویی درونی» راوی دست یابد.

در ادبیات معاصر فارسی، درباره‌ی هیچ اثری به اندازه‌ی بوف کور تحلیل و تفسیرهای گوناگون منتشر نشده است. این‌گونه آثار اما همواره از یک کمبود اصلی آسیب دیده‌اند. اغلب آن‌ها بر اساس رویکردها و پیش‌فرض‌های ذهنی به تحلیل بوف کور روی آورده‌اند و بیشتر در پی ویژگی‌ها و اجزایی بوده‌اند که توجیهی برای رویکرد آنان باشد.

بوف کور یک داستان بلند است. روایتی که تمامی آن نتیجه‌ی «تک‌گویی درونی» راوی است. همه‌ی ویژگی‌های بوف کور نیز حاصل زبان و ذهن همین راوی است. مگر بدون خوانش تدقیقی روایت و شناخت ویژگی‌های برجسته و عوامل مسلط بر متن می‌توان به بوطیقای بوف کور و چگونگی تکنیک و ساختار آن دست یافت؟ به همین سبب این کتاب دربرگیرنده‌ی دو بخش اصلی است:

بخش اول، در فصل‌های گوناگون، با روایت‌شناسی تک‌گویی درونی راوی و با شناخت عناصر مسلط بر متن، راهی به قوانین غالب بر متن (یا «بوطیقای متن») و چگونگی تکنیک و ساختار متن می‌گشاید؛ بوطیقایی که نشان‌دهنده‌ی روایت روان‌گسیختگی در تکنیک بوف کور است.

در بخش دوم با عنوان «پیشینه‌ی بوف کورشناسی در ادبیات معاصر» به چگونگی برخی از نقد و نظرهای پرداخته‌ایم که در شش دهه‌ی گذشته با نیت بررسی بوف کور منتشر شده‌اند. نوشته‌هایی که از سال ۱۳۳۰ تا همین چند سال پیش انتشار یافته‌اند و بررسی آن‌ها می‌تواند نمایی از چگونگی فرایند نقد در ادبیات معاصر باشد. و دیگر این‌که: از دوستانم، احمد اخوت و منوچهر بدیعی که پیش از تحویل متن به ناشر بخش‌هایی از متن را خواندند و درباره‌ی ترتیب و تقدم برخی از بخش‌ها نظری داشتند سپاسگزارم. و در آخر با سپاس از همه‌ی عزیزان خانواده که همواره همراه بودند: از راوی و راحه که در تهیه‌ی برخی از مآخذ یاری‌ام کردند، از پویا که در آغاز بیشتر مجال همراهی داشت و در آخر از بینا که در این کار بیشتر همدم من بود و تایپ نسخه‌ی نهایی حاصل همت اوست. باشد که در این زمانه‌ی عسرت، روزگارشان سرشار از جان و جوانه باشد.

درآمد

صادق هدایت بوف کور را در سال ۱۳۱۵، هنگامی که در هند بود نوشت و با پلی‌کپی متن دست‌نویس خود، پنجاه نسخه از آن را آماده کرد تا به دست کسانی برساند که خود می‌خواست. پس از درگذشت هدایت در ۱۳۳۰، متن حروف‌چینی‌شده‌ی بوف کور به طور گسترده در ایران منتشر شد. نسخه‌ی دست‌نویس هدایت نیز در سال‌های پس از انقلاب عکس‌برداری و منتشر شد. اکنون که پس از چند دهه به متن دست‌نویس نویسنده دست یافته‌ایم، می‌بینیم هیچ‌کدام از آن بوف‌کوره‌های چاپی که ما خوانده‌ایم — به‌ویژه از حیث چگونگی نقطه‌گذاری — منطبق بر نسخه‌ی دست‌نویس نیست. حکایت چگونگی انتشار بوف کور و حدیث نحوه‌ی خوانش و تحلیل آن، می‌تواند برای آسیب‌شناسی فضای نشر و نقد در فرهنگ و ادبیات این دوران مثال روشنی باشد.

بر اساس متن دست‌نویس بوف کور، به روشنی می‌توان گفت در

تمام چاپ‌هایی که تاکنون از بوف کور منتشر شده است چگونه برخی نشانه‌های سجاوندی^۱ منطبق بر کاربرد آن‌ها در نسخه‌ی دست‌نویس نویسنده نیست. فرایند این‌گونه تغییر و تحریف‌ها تا بدان‌جا گسترش یافته که همه‌ی گیومه‌های به‌کاررفته در تمامی بندهای فصل دوم بوف کور، بالکل، حذف شده است. نشانه‌ای که کاربرد آن نقشی مهم در شناخت راوی و روایت بوف کور دارد: هدایت تمام بندهای تک‌گویی درونی راوی را در فصل دوم در میان گیومه گذاشته تا با کاربرد آن‌ها (افزون بر اشاره‌هایی که در تک‌گویی راوی هست و آشکارکننده‌ی مهم‌ترین ویژگی‌های ذهن راوی است) نشان دهد که راوی در این فصل، برخلاف فصل نخست، می‌پندارد روایتی را می‌نویسد که دیگری بر او تقریر می‌کند و او تنها تحریرکننده‌ی آن است. به سخن دیگر، کاربرد گیومه‌ها مبین دوگانگی روایت در دو فصل بوف کور است؛ یعنی یکی از نشانه‌های اصلی دوگانگی شخصیت راوی یا همان روان‌گسیختگی او.^۲ حال چه می‌توان گفت؟ پلی‌کپی متن دست‌نویس هدایت از همان آغاز در دست شماری از نزدیکان هدایت بوده است، اما نه ناشر متوجه این غفلت خود شده و نه آن نزدیکان متوجه و متذکر چنان تغییر و تحریفی.

1. punctuation

۲. «اساسی‌ترین وجه مشخصه‌ی هنر کلامی و قدرت خلاقه‌ی شاعران اسکیزوفرنیک شخصیت دوگانه‌ی آن‌هاست؛ یعنی تضاد نامحدودی که میان ناتوانی او در گفت‌وگو با اطرافیان و اشتیاق و استعداد شگفت‌انگیزش برای حرف زدن خودانگیخته و هدفدار و بدون تلاش وجود دارد... برخلاف تمایل فرد مجنون همان‌گونه که دیدید، "شخص شریک گفت‌وگو را حذف می‌کند" و با صدهای بلند "شب و روز با خود" حرف می‌زند، و به رغم خصوصیت درون‌فاعلی این نوع گفت‌وگو، مکالمه‌ای به وجود می‌آید که عکس آن است و به مخاطب تمایل دارد.» (یاکوبسن و لوب-گروتیوس: ۱۲۹-۱۲۰)

اگرچه راه یافتن این‌گونه تغییر و تحریف‌ها، آن هم در تمامی چاپ‌های بوف کور، می‌توانسته برای شارحان گمراه‌کننده و خسران‌بار به شمار آید، اما ناشناخته ماندن دستاوردهای اصلی بوف کور بیشتر به علت رویکردهایی بوده که آن‌ها برای شناخت چنان متنی در پیش گرفته‌اند: دور ماندن از خوانش تدقیقی^۱ متن و روایت‌شناسی^۲ آن. به همین سبب، برای آشنایی با چگونگی آن رویکردها یا «پیشینه‌ی بوف کورشناسی در ادبیات معاصر»، در دومین بخش این کتاب به بررسی برخی از تحلیل‌هایی پرداخته‌ایم که از سال ۱۳۳۰ تا همین سال‌ها درباره‌ی بوف کور منتشر شده است. این بخش، در واقع، آشکارکننده‌ی ضرورت بخش نخست و اصلی این کتاب است که در آن پاره‌ای از صفحات دست‌نویس بوف کور را نیز آورده‌ایم تا بتوان با خوانش دقیق تک‌گویی درونی راوی و بررسی ویژگی‌های روایی آن از بوطیقای بوف کور و چگونگی تکنیک تازه‌ی آن سخن گفت.

1. close reading

2. narratology

بخش اول



بوطیقای بوف کور:
روایت‌شناسی روان‌گسیختگی
در تکنیک بوف کور

فصل نخست:

تکنیک و ساختار بوف کور

مهم‌ترین دستاورد بوف کور، آفرینش راویِ روان‌گسیخته‌ای است که صادق هدایت توانسته با پدید آوردن بوپتیقای روان‌گسیختگی در «تک‌گویی درونی»^۱ این راوی و بیان رفتارهای نامتعارف و

۱. برای توضیح و تعریف اصطلاح تک‌گویی یا تک‌گفتار درونی می‌توان از قصه‌ی روان‌شناختی نو، اثر لئون ایدل، نقل‌قولی را در این‌جا آورد:

«اصطلاح تک‌گفتار درونی (internal monologue) برای برخی از انواع قصه‌ی عنوانی است صرفاً سودمند، یعنی قصه‌هایی که دارای ذهنیت پیوسته‌اند، و از خلال دیدگاهی واحد نوشته شده‌اند، و نویسنده خود دامنه‌ی جریان سیال ذهن را در آن محدود می‌کند و به طور عمده ما را در «کانون» اندیشه‌های شخصیت می‌نهد. در همان کانونی که اندیشه غالباً کلام را به جای تصویر به کار می‌گیرد. برای درک مشکلاتی که نویسنده و خواننده یکسان با آن‌ها درگیر می‌شوند، می‌توانیم به آزمایش پیشگام «دوزاردن» روی آوریم. این آزمایش در زمینه‌ی قصه‌ی روان‌شناختی زمان ما چیزهایی بسیار برای آموختن به ما دارد.» (ص ۷۸)

چنان که نویسنده از «خطابه‌ی ادوارد دوزاردن درباره‌ی تک‌گفتار درونی و شکل و ریشه‌های آن در اثر جویس» می‌گوید:

←

ناخودآگاه ذهنی و زبانی او به آن دست یابد.

هدایت برای دست یافتن به چنین تکنیک تازه‌ای در روایت ذهنی، نیازمند زبان و نثر روایی ویژه‌ای بود که هم بتواند با بهره‌گیری از امکان‌های متعارف ساختار جمله در زبان فارسی به روایت داستان خود پردازد و هم، در عین حال، این زبان مجالی برای بیان مجموعه عارضه‌های ذهنی راوی نیز باشد. زبانی که، در اصطلاح زبان‌شناختی، از یک سو ناگزیر است از محور همنشینی سود جوید و از سوی دیگر، برای بیان تداخل‌های بخش ناخودآگاه ذهن راوی و سازوکارهای استعاری غالب بر آن و دیگر ویژگی‌های نامتعارف روان‌گسیختگی ذهن وی، هر چه بیشتر بتواند از محور جانشینی و کاربرد استعاری زبان نیز بهره گیرد. بوف کور، از حیث کشف تکنیک و بوطیقای روان‌گسیختگی در روایت و کاربرد فرایندهای استعاری در زبان روایی و رمان روان‌شناختی معاصر جهان، تا همین امروز هم از

→ «تک‌گفتار درونی، چون هر تک‌گفتاری، سخن شخصیتی است معین و غرض از طرح آن آشنایی مستقیم ما با زندگی درونی این شخصیت می‌باشد، یعنی بدون دخالت نویسنده از طریق توضیح و اظهار نظر، و چون هر تک‌گفتار گفت‌وگویی است بدون شنونده و گفت‌وگویی است بر زبان نیامده، پس با تک‌گفتار سنتی تفاوت دارد. زیرا، به عنوان محتوا، خصوصی‌ترین اندیشه‌ها را بیان می‌کند، اندیشه‌هایی که درست در کنار وجدان ناآگاه جای دارند؛ از نظر حالت، تک‌گفتاری درونی کلامی است که هنوز ترکیب منظم نیافته است، و اندیشه را به شکل نخستین آن و همان گونه که بر ذهن راه می‌یابد بازسازی می‌کند. از نظر شکل، تک‌گفتاری درونی از طریق جمله‌های مستقیم با حداقل نظم‌های ساختمانی جمله بیان می‌شود؛ از این رو تک‌گفتار درونی در اساس هماهنگ با مفهومی است که از شعر داریم.» (همان، ۷۲۰)

برای توضیح و تدقیق بیشتر درباره‌ی تک‌گفتار درونی و پیوند آن با جریان سیال ذهن رجوع کنید به:

تقدم و ترجیحی کم مانند برخوردار است.

در نشر فارسی و داستان‌نویسی معاصر، بوف کور تنها رمان و روایتی است که نویسنده توانسته در آن، برای بیان عارضه‌ها و ویژگی‌های نامتعارف ذهن راوی، از ساختار متعارف جمله فراتر رود و به یاری رفتاری تازه با امکان‌های ساختار نحوی جمله و نشانه‌های سجاوندی، ساختاری ویژه را در نشر روایی طرح افکند که بتواند هم پاسخگوی نیازها و نابهنجاری‌های ذهن راوی باشد و هم کاشف مجالی تازه در آفرینش جمله‌ی روایی و تکنیک تک‌گویی درونی.^۱

۱-۱. ساختار متعارف جمله در زبان فارسی

در هر زبانی، ساختار متعارف جمله تابع ترتیب طبیعی اجزای جمله و مبین رفتار ذهنی و زبانی گویندگان آن است. هرچند در همین ساختار متعارف نیز، چگونگی واژه‌ها و ویژگی‌های غالب بر گزینش و پیوند آن‌ها، خود نشان‌دهنده‌ی ویژگی‌های ذهنی گوینده است، در هر گفتار یا نوشتاری نیز این ویژگی‌ها آشکارکننده‌ی چگونگی رفتارهای ذهنی و زبانی گوینده در پیوند با بیرون هم هست. همان‌گونه که در همین ساختارهای طبیعی و متعارف نیز،

۱. صادق هدایت بوف کور را در ۱۳۱۵ شمسی (۱۹۳۵ میلادی) نوشت. جیمز جویس اوایل را سیزده سال پیش از انتشار بوف کور در ۱۹۲۲ منتشر کرده بود. یکی از ویژگی‌های تکنیکی جویس در این رمان کاربرد نامتعارف نشانه‌های سجاوندی برای بیان تکنیک روایی آن اثر بود. رفتار هدایت در کاربرد نامتعارف نشانه‌های سجاوندی برای دست یافتن به تک‌گویی درونی بوف کور، ویژگی‌های خاص خود را دارد، با این حال داده‌ها و دست‌آوردهایی که پیش‌تازان رمان روان‌شناختی نو به آن دست یافته بودند می‌توانسته پیشینه و پشتوانه‌ای برای آفرینش تکنیکی او به شمار آید.

تکرار و تأکید برخی اجزای زبانی، نشانه‌ی «برجسته‌سازی»^۱ آن‌هاست و اگر در میان آن کاربردهای زبانی، یک کاربرد نقش تعیین و هدایت‌کننده داشته باشد، بالطبع، آن کاربرد «عامل مسلط»^۲ است. از این‌رو در هر متن و مجموعه‌ای، تشخیص اجزای اصلی و فرعی و شناخت چگونگی نقش هر کدام از آن‌ها در شکل‌گیری متن، بخشی از فرایند تشخیص بوطیقا و قانونمندی آن متن است.

در زبان فارسی نیز، ساختار جمله‌ی معیار، تابع چگونگی ترتیب طبیعی اجزای جمله است و در این ترتیب، جایگاه فعل نقشی محوری دارد. در زبان فارسی، فعل اغلب در انتهای جمله می‌آید و همین ویژگی باعث شده است که صورت معمول و مطلوب جمله در زبان فارسی کوتاه باشد. پرهیز از جمله‌های طولانی و جمله‌های تبعی، تا حدی نتیجه‌ی همین ویژگی است. برای مثال در زبان انگلیسی، کاربرد فعل پس از نهاد و پیش از دیگر اجزای جمله است و همین ویژگی، خود یکی از دلیل‌های اصلی بیان جمله‌های طولانی و تبعی در آن زبان است. در نثر دیروز فارسی نیز می‌توان نمونه‌های برجسته‌ای از این‌گونه جمله‌ها را یافت که خود حاصل مجموعه جمله‌های کوتاهی است که بر اساس ضرورت‌های درونی روایت، جمله‌های روایی بلندی را پدید آورده‌اند. برای مثال، به این جمله‌ی روایی بلند در تاریخ بیهقی نگاه کنید:

1. foregrounding

2. dominant

و روز یکشنبه پنجم شوال امیرمسعود رضی الله عنه برنشست و در مهد پیل بود به دشت شابهار آمد با تکلفی سخت عظیم از پیلان و جنیبتیان چنان که سی اسب با ساخت ها بود مرصع به جواهر و پیروزه و یشم و طرایف دیگر، و غلامی سیصد در زر و سیم غرق همه با قباهای سقلاطون و دیبای رومی، و جنیبتی پنجاه دیگر با ساخت زر، و همه غلامان سرایی جمله با تیر و کمان و عمودهای زر و سیم پیاده در پیش می برفتند و سپرکشان مروی و پیاده ای سه هزار سگری و غزنیچی و هر یوه و بلخی و سرخسی، و لشکر بسیار، و اعیان و اولیا و ارکان ملک — و من که بوالفضلم به نظاره رفته بودم و سوار ایستاده — امیر بر آن دکان فرمود تا پیل مهد را بداشتند، و خواجه احمد حسن و عارض و خواجه بونصر مُشکان نزدیک پیل بودند، مظالم کرد و قصه ها بخواستند و سخن متظلمان بشنیدند و باز گردانیدند.

(بیهقی: ۳۲۷)

یا در سفرنامه‌ی ناصر خسرو:

آن روز که بامداد سلطان به فتح خلیج بیرون خواستی شد، ده هزار مرد به مزد گرفتندی که هر یک، از آن جنیبتیان — که ذکر کردیم — یکی را به دست گرفته بودی و صد صد می کشیدندی، و در پیش بوق و دهل و سرنا می زدندی، و فوجی لشکر بر عقب ایشان می شدی.

(ناصر خسرو: ۶۵)

از دیگر نثرهای باارزش دیروز نیز می توان مثال هایی آورد، اما برای پرهیز از اطناب کلام همین نمونه ها شاید کافی باشد.